

دانش‌آموزان خودننظیم، علاقه بسیاری به یادگیری دارند



رابطه جهت‌گیری هدف،
یادگیری خودتنظیمی
با پیشرفت تحصیلی در دانش‌آموزان

ربابه عصایی فر، دکتر فرهاد شفاقی

تلخیص و تدوین: فرزانه اسلامی

کارشناس ارشد روان‌شناسی

▲ اشاره

«پیشرفت تحصیلی» یکی از موضوعات مهم در فرایند آموزش و پرورش دانش‌آموزان است و عوامل مؤثر بر آن همواره مد نظر پژوهش‌های مرتبط با پیشرفت تحصیلی بوده است. این مقاله به بررسی برخی عوامل مؤثر بر پیشرفت تحصیلی، مثل جهت‌گیری هدف و یادگیری خودتنظیمی، پرداخته است.

مقدمه

تعلیم و تربیت شیوه درست اندیشیدن و چگونه زیستن و چگونه امتناع ورزیدن را می‌آموزد و «من» درونی انسان را رشد می‌دهد. یکی از عوامل اساسی و قابل توجه در تهیه برنامه‌های تربیتی، مشخص کردن هدف‌هایی است که فعالیت‌های آموزش و پرورش به منظور دستیابی به آنها انتخاب و ترتیب داده می‌شود.

اهداف، علاوه بر انجام دادن کار یا وظیفه، ممکن است به‌عنوان معیار ارزیابی نیز عمل کنند (شریعتمداری، ۱۳۷۲). هدف، مشخص می‌کند که فرد چه باید کند و چه مقدار تلاش کند. هدف‌های خاص، موجب افزایش عملکرد می‌شوند و اگر تحقق هدف مشکل باشد، کسی که آن را بپذیرد، عملکرد بهتری خواهد داشت. سرانجام اینکه بازخورد نتیجه کار، موجب

کلیدواژه‌ها: جهت‌گیری هدف، جهت‌گیری هدف یادگیری، جهت‌گیری هدف عملکرد، جهت‌گیری هدف پرهیز از شکست، یادگیری خودتنظیمی، راهبردهای شناختی، راهبردهای فراشناختی، پیشرفت تحصیلی

عملکردهای عالی تر خواهد بود. اهداف علاوه بر هدایت عمل، صرف انرژی را نیز تنظیم می‌کنند و منبع اصلی انگیزش عمل‌اند (رابینز، ۱۳۷۷).

جهت‌گیری هدف، یکی از متغیرهای روان‌شناختی است و آس (۱۹۹۲) آن را الگوی منسجمی از باورهای فرد می‌داند که به اتخاذ شیوه‌های متفاوت برخورد، درگیر شدن و پاسخ‌دهی به موقعیت‌های یادگیری منجر می‌شود. این جهت‌گیری در موقعیت‌های تحصیلی، مبین انگیزه فرد از تحصیل است و به همین لحاظ تمایلات، کنش‌ها و پاسخ‌های او را در موقعیت‌های یادگیری تحت تأثیر قرار می‌دهد. تحقیق «واندواله» (۲۰۰۱) نشان داد که بزرگسالان نیز همانند کودکان، جهت‌گیری هدف یادگیری و جهت‌گیری هدف عملکرد دارند و فرایندهایی مانند چگونگی مدیریت برخورد، خودنظم‌بخشی، خودکارآمدی، خلق و ایجاد کردن فرصت‌های یادگیری و بسط دادن معلومات تاحدی تبیین‌کننده تفاوت در عملکرد افراد هنگام اتخاذ هر کدام از دو شکل جهت‌گیری هدف است. در زمینه جهت‌گیری هدف رویکردهای متفاوتی مطرح شده که پژوهش حاضر، به رویکرد جهت‌گیری هدف از نظر بوفارد و همکاران (۱۹۹۸) پرداخته است. براساس این رویکرد، جهت‌گیری هدف به جهت‌گیری هدف یادگیری و عملکرد پرهیز از شکست تقسیم شده است. طبق نظر بوفارد و همکاران، دانش‌آموزانی که جهت‌گیری هدف یادگیری دارند، درصدد افزایش تسلط خود بر موضوعات جدیدند و بر فهم موضوعات تأکید دارند. آنها حتی زمانی که عملکردشان ضعیف است، باز هم می‌خواهند یاد بگیرند. بنابراین، در کارهای دشوار پشتکار دارند و خطاهایشان بخشی طبیعی از فرایند یادگیری جهت‌گیری بیشتر در نظر گرفته می‌شود. ایمز و آچر (۱۹۸۸) به بررسی تأثیر جهت‌گیری هدف یادگیری بر پیشرفت تحصیلی پرداختند و به این نتیجه رسیدند که جهت‌گیری هدف یادگیری سبب ایجاد الگوی انگیزشی در فرد می‌شود که آن هم به افزایش درگیری طولانی مدت و با کیفیت برتر در یادگیری می‌انجامد. بنابر نتیجه تحقیق کاپلان و همکاران (۲۰۰۲)، تمایل به خطرپذیری در دانش‌آموزانی که جهت‌گیری هدف یادگیری دارند، نسبت به دانش‌آموزانی که جهت‌گیری هدف عملکرد دارند، بیشتر است. آنها همچنین از راهبردهای عمیق یادگیری بیشتر استفاده می‌کنند. فاینی و دیگران (۲۰۰۴) در تحقیق خود به این نتیجه رسیدند که یک دانش‌آموز با جهت‌گیری هدف یادگیری، بیشترین یادگیری ممکن را از یک دوره درسی دارد. براساس نظر بوفارد و همکاران، در جهت‌گیری هدف عملکرد دانش‌آموزان درصدد مقایسه توانایی‌های خود با دیگران هستند و بر اینکه دیگران درباره آنها چگونه قضاوت می‌کنند، تأکید دارند. آنها سعی می‌کنند خود را باهوش جلوه دهند، نه بی‌کفایت. بنابراین، از وظایف چالشی می‌پرهیزند و در برخورد با وظایف دشوار، پشتکار کمتری از خود نشان می‌دهند. از اهداف دیگر این دانش‌آموزان، پشت سر گذاشتن دیگران و کسب موفقیت با کوشش کم است. برای آنها شکست تهدیدآمیز است؛ زیرا شاهدهی از بی‌کفایتی فرد تلقی می‌شود. یافته‌های البوت (۱۹۹۶) نشان داد که جهت‌گیری پرهیز از شکست، دارای تأثیرات منفی بر انگیزش‌های درونی است.

یادگیری خود تنظیم شده، متغیر روان‌شناختی دیگری است که در این تحقیق در نظر گرفته شده است. یادگیری خودتنظیم شده مفهومی نسبتاً جدید در حوزه انگیزش است و در دانش‌آموزانی مشاهده می‌شود که به طور منظم گرایش به دستیابی به اهداف یادگیری دارند. زیممان (۱۹۸۹) یادگیری خود تنظیم را با فعالیت‌های رفتاری، فراشناختی و انگیزشی که دانش‌آموزان در جریان یادگیری خود در آنها سهیم‌اند، مرتبط می‌داند. طبق نظر پنتریچ و دیگران (۱۹۹۰) یادگیری خودتنظیم به دو راهبرد شناختی و فراشناختی تقسیم می‌شود که عبارت‌اند از راهبردهای شناختی شامل مهارت‌های تمرین، تبیین و سازماندهی و راهبردهای فراشناختی

شامل مهارت‌های فراشناخت و مدیریت تلاش‌های فردی. پژوهش‌ها میان میزان بهره‌گیری از راهبردهای شناختی و فراشناختی با پیشرفت تحصیلی هم‌بستگی مثبت نشان داده‌اند. با توجه به نتایج تحقیقات، دانش‌آموزانی که جهت‌گیری هدف مشخص و به‌ویژه جهت‌گیری هدف یادگیری دارند، در جریان آموزش افرادی خودتنظیم‌اند و مهارت‌های راهبردهای شناختی و فراشناختی بیشتری دارند، پیشرفت تحصیلی بالاتری را نشان می‌دهند، اطلاعات هماهنگ‌تری کسب می‌کنند و در درک واقعیت‌های عینی و پیشرفت عزت‌نفس موفق‌ترند.

سؤال اصلی این پژوهش: آیا میان جهت‌گیری هدف، یادگیری خودتنظیم با پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان رابطه وجود دارد؟

تعلیم و تربیت شیوه درست اندیشیدن و چگونه زیستن و چگونه امتناع ورزیدن را می‌آموزد و من درونی انسان را رشد می‌دهد

روش تحقیق

جامعه آماری و گروه نمونه

جامعه آماری شامل همه دانش‌آموزان دختر سال سوم دبیرستان‌های دولتی شهر کرج بود که در رشته‌های علوم انسانی و ریاضی در سال تحصیلی ۸۶-۸۵ مشغول به تحصیل بودند. نمونه پژوهش شامل ۲۰۰ نفر از این دانش‌آموزان بود که ۱۲۷ نفر از گروه علوم انسانی و ۷۳ نفر از گروه ریاضی به روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای چند مرحله‌ای انتخاب شده بودند.

ابزار اندازه‌گیری

در این پژوهش، برای سنجش جهت‌گیری هدف از پرسش‌نامه جهت‌گیری هدف بوفارد و همکاران (۱۹۹۸) که شامل ۲۱ پرسش است، استفاده شد. حداقل نمره آزمودنی ۲۱ و حداکثر آن ۱۲۶ بود. همچنین برای سنجش یادگیری خودتنظیم، از پرسش‌نامه یادگیری خودتنظیم پنتریچ و دیگران (۱۹۹۰) استفاده شد که شامل ۲۲ سؤال است و به دو مقوله تقسیم می‌گردد:

۱. بعد راهبردهای شناختی،

۲. بعد راهبردهای فراشناختی.

راهبردهای شناختی شامل ۱۳ پرسش بود. حداقل نمره آزمودنی ۲۲ و حداکثر نمره آن ۱۱۰ بود.

روش تحلیل داده‌ها

تجزیه و تحلیل داده‌ها، از طریق برنامه نرم‌افزاری SPSS انجام شد. برای تحلیل استنباطی از روش تحلیل همبستگی پیرسون، رگرسیون چندگانه و تحلیل واریانس مکرر استفاده شد.

بحث و نتیجه‌گیری

این پژوهش به منظور بررسی رابطه جهت‌گیری هدف و متغیرهای آن، یادگیری خودتنظیم و متغیرهای آن با پیشرفت تحصیلی و نیز مقایسه دو گروه ریاضی و علوم انسانی از نظر کاربرد این متغیرها در زمینه تحصیل صورت پذیرفته است.

نتایج پژوهش حاضر نشان داد که جهت‌گیری هدف، منجر به افزایش پیشرفت تحصیلی در دانش‌آموزان می‌شود. این نتیجه با نتایج تحقیقات ایمز (۱۹۹۲)، البوت و دویک (۱۹۸۸) و العمادی (۲۰۱۰) همسوست.

در تبیین این نتیجه، ایمز (۱۹۹۲) بیان می‌دارد که جهت‌گیری هدف،

عامل انگیزشی مهمی در امر یادگیری، آموزش و عملکرد به حساب می‌آید که سبب می‌شود دانش‌آموزان به روش‌های متفاوت به موقعیت‌های آموزش و یادگیری گرایش نشان دهند و پیشرفت تحصیلی‌شان افزایش یابد. نتیجه دیگر پژوهش نشان داد که جهت‌گیری با هدف یادگیری

هدف، مشخص می‌کند که فرد چه باید کند و چه مقدار تلاش کند

و عملکرد، سبب افزایش پیشرفت تحصیلی دانش‌آموزان می‌شود اما جهت‌گیری با هدف پرهیز از شکست، به کاهش پیشرفت تحصیلی می‌انجامد. ایمز و آرچر (۱۹۸۸) بیان می‌دارند که جهت‌گیری هدف یادگیری، الگویی انگیزشی در فرد ایجاد می‌کند که منجر به افزایش یادگیری طولانی مدت و یا کیفیت بیشتر در یادگیری می‌شود. کاپلان، میدلتون، یوردان و میدگلی (۲۰۰۲) بیان می‌کنند که دانش‌آموزانی با جهت‌گیری هدف یادگیری، بیشتر ریسک می‌کنند (خطرپذیرند) و بیشتر از راهبردهای عمیق یادگیری استفاده می‌کنند. نتیجه دیگر پژوهش حاضر نشان داد که جهت‌گیری هدف پرهیز از شکست منجر به کاهش پیشرفت تحصیلی در دانش‌آموزان می‌شود. این نتیجه با نتایج تحقیقات الیوت و هاراکویوز (۱۹۹۶) خادمی و نوشادی (۱۳۸۵) همسوست. در تبیین این نتیجه، بوفارد و همکاران (۱۹۹۸) می‌گویند افرادی که در یادگیری تنها هدفشان این است که شکست را تجربه نکنند و بر پیشرفت درسی خود تأکیدی ندارند، فاقد انگیزه بالا برای فعالیت یادگیری هستند و در نتیجه عملکردشان نیز مطلوب نیست. الیوت و هاراکویوز (۱۹۹۶) بر وجود جهت‌گیری پرهیز از شکست در فرد و در نتیجه تأثیرات منفی آن بر انگیزش‌های درونی تأکید کرده‌اند.

نتیجه دیگر پژوهش نشان داد که رابطه میان جهت‌گیری هدف و یادگیری خودتنظیم، مثبت است. این نتیجه با نتایج تحقیقات پنتریچ و دیگروت (۱۹۹۰)، زیمرمان (۲۰۰۰)، مک‌کاسلین و هایکی (۲۰۰۱) همسوست. در تبیین این نتیجه، بلوچر (۱۹۹۷) بیان می‌کند که دانش‌آموزان خودتنظیم، علاقه بسیاری به یادگیری دارند و هدف‌مدارند. شاید یکی از دلایل این نتیجه این باشد که ارزش‌ها و باورهای شخصی دانش‌آموزان، می‌تواند بر اهدافی که آنها انتخاب می‌کنند، تأثیر بگذارد و در نتیجه این اهداف، یادگیری خودتنظیم را در آنان تحت تأثیر قرار می‌دهد.

نتیجه دیگر پژوهش نشان داد که بهره‌گیری از راهبردهای شناختی و فراشناختی در دانش‌آموزان موجب افزایش پیشرفت تحصیلی در آنان می‌شود. این نتیجه با نتایج تحقیقات امینی (۲۰۰۹)، پری، فیلیپس و هاتچنسون و دیگران (۲۰۰۶)، موسوی‌نژاد (۱۳۶۷)، نیازی، کدیور و یارباری (۱۳۸۷) همسوست. در تبیین این نتیجه، موسوی‌نژاد (۱۳۶۷) می‌گوید دانش‌آموزانی که از راهبردهای شناختی سطح بالا، بیشتر بهره می‌گیرند، افرادی خودنظم‌دهنده‌ترند و موفقیت تحصیلی‌شان بیشتر است. پری، فیلیپس و هاتچنسون و دیگران (۲۰۰۶) در تحقیق خود دریافتند که دانش‌آموزان خودتنظیم، بیشتر در موقعیت‌هایی مانند درگیر شدن با موضوعات درسی، تمرینات یادگیری، درک عمیق و فهم موضوعات و تلاش برای یادگیری قرار می‌گیرند که منجر به افزایش پیشرفت تحصیلی آنان می‌شود. یافته دیگر پژوهش نشان داد که دو گروه علوم انسانی و ریاضی از جهت کاربرد انواع جهت‌گیری هدف و راهبردهای خودتنظیم با یکدیگر تفاوت معنادار ندارند. در تبیین این نتیجه به نظر می‌رسد که با توجه به افزایش آگاهی دانش‌آموزان در زمینه کاربرد راهبردهای شناختی و فراشناختی و استفاده از فناوری‌های

آموزشی مانند کاربرد لوح‌های فشرده آموزشی، اینترنت و کلاس‌های آموزشی، زمینه ایجاد انگیزه یادگیری بیشتر در آنان ایجاد می‌شود. این امر به نتیجه مطلوب‌تر در عملکرد تحصیلی دانش‌آموزان می‌انجامد و نوع رشته تحصیلی و مواد آموزشی در این میان عامل تعیین‌کننده‌ای نیست. همچنین به نظر می‌رسد انتخاب نوع جهت‌گیری هدف دانش‌آموزان به هدف شخص در زمینه یادگیری بستگی دارد و نوع رشته تحصیلی، عاملی تعیین‌کننده در این مورد نیست و ممکن است در جامعه آماری دیگر نتیجه‌ای دیگر حاصل شود.

متن کامل این مقاله در فصل‌نامه تعلیم و تربیت، سال ۲۷، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۰ به چاپ رسیده است.

اهداف علاوه بر هدایت عمل، صرف انرژی را نیز تنظیم می‌کنند و منبع اصلی انگیزش عمل‌اند

